



ماهنامه فرهنگ پیویا / شماره ۱۳

راه مقابله با نفوذ از دیدگاه قرآن

# لزوم نگاه به درون و پرهیز از نگاه به بیرون

علی اکبر عالمیان

## اشاره

قرآن به عنوان کامل‌ترین کتاب، همواره راهنمای بشریت بوده است. از جمله مسائلی که در قرآن بر آن تاکید شده، بحث دشمن شناسی و لزوم پرهیز از دوستی با دشمنان است. خداوند متعال درباره نفوذ دشمنان در جامعه ایمانی هشدار داده، راه‌هایی از این خطر را نگاه به درون و هوشیاری جبهه حق می‌داند. در این تحقیق سعی شده است تا زوایای این مساله از نگاه قرآن بررسی شود.



## گونه‌های دشمن از دیدگاه قرآن

بی‌گمان از دیدگاه قرآن، دشمن اصلی انسان‌ها شیطان است: «ان الشیطان کان للانسان عدوا مبینا» (اسراء، ۱۷)

خداوند متعال، خطر نفوذ شیطان را به انسان‌ها متذکر شده، به آن‌ها هشدار می‌دهد که این دشمن بزرگ، زشتی‌ها را زیبا جلوه می‌دهد و اعمال بد را زینت داده آن را به صورت اعمال زیبا نمایش می‌دهد: «وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (انعام ۴۳) - و شیطان، هر کاری را که می‌کردند، در نظرشان زینت داد- این دشمن بزرگ، دارای سربازانی است که در این دنیا وظایف محوله از سوی او را اجرا می‌کنند و محور بحث ما در این نوشتار نیز همین سربازان است. اینان که به جنود شیطان معروف هستند، مانند شیطان درصد نفوذ در جبهه حق هستند. قرآن کریم مشخصا از سه گروه از دشمنان نام می‌برد. این سه گروه عبارتند از: کفار، منافقین و یهودیان.

■ کفار: خداوند در آیه ۱۰۱ سوره نساء به صراحت از کفار به عنوان دشمنان آشکار مؤمنین نام می‌برد و می‌فرماید: «ان الکافرین کانو لکم عدوا مبینا». خداوند همچنین از شدت دشمنی آنان با جبهه حق سخن می‌گوید؛ چراکه به هیچ عنوان خیر اهل حق را نمی‌خواهند: «مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» (بقره، ۱۰۵) - کافران اهل کتاب، و (همچنین) مشرکان، دوست ندارند که از سوی خداوند، خیر و برکتی بر شما نازل شود؛ در حالی که خداوند، رحمت خود را به هر کس بخواهد، اختصاص می‌دهد؛ و خداوند، صاحب فضل بزرگ است. - و به همین دلیل خداوند به شدت از دوستی با آنان نهی می‌فرماید: «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وُليًا وَلَا نَصِيرًا» (نساء، ۸۹) - آنان آرزو می‌کنند که شما هم مانند ایشان کافر شوید، و مساوی یکدیگر باشید. بنابراین، از آن‌ها دوستانی انتخاب نکنید، مگر این که (توبه کنند، و) در راه خدا هجرت نمایند. هرگاه از این کار سر باز زنند، (و به اقدام بر ضد شما ادامه دهند)، هر جا آن‌ها را یافتید، اسیر کنید! و (در صورت احساس خطر) به قتل برسانید! و از میان آن‌ها، دوست و یار و یاورى اختيار نکنید-

■ منافقین: خطرناک‌ترین دشمن از دیدگاه قرآن، منافقین هستند. خداوند متعال، جایگاه منافقین در جهنم را بدترین جایگاه‌ها معرفی کرده، می‌فرماید: «ان المنافقین فی الدرک الاسفل من النار ولن تجد لهم نصیرا» (نساء، ۱۴۵) - منافقان در پایین‌ترین درکات دوزخ قرار دارند؛ و هرگز یاورى برای آن‌ها نخواهی یافت! (بنابر این، از طرح دوستی با دشمنان خدا، که نشانه نفاق است، بپرهیزد) - قرآن همچنین در آیه اول سوره منافقون با اشاره به این نکته که «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكِذِبُونَ»، به دروغگو بودن آنان اشاره می‌کند و در آیه دوم بر نفاق قلبی و دورویی این جماعت تأکید می‌ورزد. علت نفاق آنان نیز مشخص است: «ذَلِك بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطَبَعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَأَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ» - این به خاطر آن است که آن‌ها نخست ایمان آوردند سپس کافر شدند، لذا بر دل‌های آن‌ها مهر نهاده شده، و حقیقت را درک نمی‌کنند. - در آیات ۸ تا ۱۰ سوره بقره نیز به چندچهرگی و نیرنگ‌بازی آنان اشاره می‌کند و در آیات ۴۸ و ۴۷ سوره توبه نیز به فتنه‌گری و شبهه‌افکنی این افراد می‌پردازد.

■ یهودیان: برخی از اهل کتاب و به‌ویژه یهودیان هم از جمله افرادی هستند که به فرموده قرآن جزء دشمنان اهل حق به شمار می‌آیند. خداوند، یهودیان را دشمن‌ترین دشمنان معرفی کرده، می‌فرماید: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ذَلِك بِأَنَّهُمْ قَسَبُوا وَرَهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ» (مائده، ۸۲) - به طور مسلم، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان راه، یهود و مشرکان خواهی یافت؛ و نزدیک‌ترین دوستان به مؤمنان را کسانی می‌یابی که می‌گویند: «ما نصاری هستییم»؛ این به خاطر آن است که در میان آن‌ها، افرادی عالم و تارک دنیا هستند؛ و آن‌ها (در برابر حق) تکبر نمی‌ورزند -

## راه‌های نفوذ دشمن

یکی از خطرهایی که از دیرباز جامعه طرفدار حق را در معرض آسیب قرار داده و می‌دهد، نفوذ دشمن است. قرآن مشخصا در سه آیه به این مساله اشاره کرده، مؤمنین را نسبت به این موضوع هشدار می‌دهد. اولین آیه، آیه ۱۱۸ سوره مبارکه آل عمران است که خداوند در این آیه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ» یعنی نگذارید بیگانگان در درون شما نفوذ کنند. آیه بعدی آیه ۱۱۳ سوره هود است که قرآن تصریح می‌کند به ستمگر تکیه نکنید: «وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا». آیه سوم نیز آیه ۱۴۱ سوره مبارکه نساء است که خداوند می‌فرماید: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» خدا اجازه نمی‌دهد کفار بر مسلمان‌ها راه نفوذ داشته باشند. راه‌های این نفوذ نیز گوناگون است. به اختصار می‌توان به چند نمونه از این راه‌ها اشاره کرد:

■ تضعیف رهبر جامعه: دشمنان به خوبی دریافته‌اند که راه نفوذ در جامعه ایمانی، از گذر تضعیف رهبر این جامعه می‌گذرد؛ چراکه بزرگ‌ترین مانع نفوذ دشمنان، رهبر جامعه و هدایت‌های دشمن‌شکنانه او است. طبق آیات گوناگون قرآن، دشمنان از راه‌های گوناگون به تضعیف رهبر جامعه می‌پردازند؛ یا این که او را تهدید می‌کنند: «وقال الذين كفروا لرسولهم لنخرجنك من ارضنا او لتعودن في ملتنا فاوحى اليهم ربهم لنهلكن الظالمين» (ابراهيم، ۱۳) - کسانی که کافر شدند به پیامبران خود گفتند ما قطعاً شما را از سرزمین خود اخراج خواهیم کرد، مگر این که به آیین ما بازگردید، در این حال پروردگارشان به آن‌ها وحی فرستاد که من ظالمان را هلاک می‌کنم. - یا این که تحقیر می‌کنند: «وبصنع الفلك وكلما مر عليه ملاء من قومه سخروا منه قال ان تسخروا منا فانا نسخر منكم كما تسخرون» (هود، ۳۸) - او مشغول ساختن کشتی بود و هر زمان گروهی از اشراف قومش بر او می‌گذشتند او را مسخره می‌کردند، (ولی نوح) گفت اگر ما را مسخره می‌کنید ما نیز شما را همین‌گونه مسخره خواهیم کرد. - و یا این که در حقانیت او تردید می‌افکنند: «و يقول الذين كفروا لست برسلا» (رعد، ۴۳) - آن‌ها که کافر شدند می‌گویند تو پیامبر نیستی. -

■ اختلاف‌افکنی: شیوه دوم دشمنان جبهه حق برای نفوذ، ایجاد دودستگی در میان این جبهه است تا بدین‌وسیله طرفداران حق را ضعیف و آنان را به هم بدگمان کنند. خداوند متعال در آیه چهارم سوره قصص به این مساله اشاره می‌کند: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِ نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» - فرعون برتری‌جویی در زمین کرد و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود، گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسران آن‌ها را سر می‌برد و





زنان آن‌ها را (برای کنیزی) زنده نگه می‌داشت، او مسلماً از مفسدان بود-  
 ■ شایعه پراکنی: شیوه دیگر دشمنان، پخش اخبار دروغ و شایعه‌های  
 مشمئزکننده به منظور ایجاد یک جنگ روانی بر ضد جامعه طرفدار حق  
 و در نتیجه سست شدن این جامعه است. در آیه ششم سوره مبارکه لقمان  
 به این واقعیت اشاره شده است: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ  
 لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يُتَخَذَهَا هُزُوًا لَّهْمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»-  
 بعضی از مردم سخنان باطل و بیهوده خریداری می‌کنند تا مردم را از روی  
 جهل و نادانی گمراه سازند، و آیات الهی را به استهزا و سخره گیرند، برای  
 آن‌ها عذاب خوارکننده است-

■ جنگ تبلیغاتی: از دیگر راه‌های نفوذ دشمن، ایجاد جنگ و نزاع  
 تبلیغاتی و رسانه‌ای به منظور ایجاد جنگ روانی و تضعیف روحیه  
 جامعه ایمانی است. خداوند متعال به صراحت در آیه ۸۳ سوره نساء به  
 این موضوع پرداخته است. در این آیه آمده است: «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ  
 الْأَمْنِ أَوْ الْحَرْفِ أَدَّعَوْا بِهٖ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَىٰ أَوْلِيَ الْأَمْرِ مِنْهُمْ  
 لَعَلَّهُمُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْ لَا فَضَّلَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتَهُ لَآتَيْتُمُ  
 الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا»- و هنگامی که  
 خبری از پیروزی یا شکست به  
 آن‌ها برسد، (بدون تحقیق) آن را  
 شایع می‌سازند؛ در حالی که اگر آن  
 را به پیامبر و پیشوایان - که قدرت  
 تشخیص کافی دارند- بازگردانند،  
 از ریشه‌های مسائل آگاه خواهند  
 شد. و اگر فضل و رحمت خدا بر  
 شما نبود، جز عده کمی، همگی از  
 شیطان پیروی می‌کردید (و گمراه  
 می‌شدید). -

■ نفوذ عوامل جاسوسی: یکی از  
 اصلی‌ترین شگردهای دشمنان برای  
 نفوذ به جامعه، از طریق اعزام عوامل  
 نفوذی و آن‌چه جاسوس نامیده  
 می‌شود، است. قرآن در این باره در  
 آیه ۴۷ سوره مبارکه توبه می‌فرماید: «لَوْ  
 خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا أُضْعِفُوا خَلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ  
 سَمَاعُونَ لَهُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ»- اگر همراه شما (به سوی میدان  
 جهاد) خارج می‌شدند چیزی جز اضطراب و تردید به شما نمی‌افزودند و  
 به سرعت در بین شما به فتنه‌انگیزی (و ایجاد تفرقه و نفاق) می‌پرداختند  
 و در میان شما افرادی (سست و ضعیف) هستند که بسیار از آن‌ها پذیرا  
 می‌باشند، و خداوند از ظالمان باخبر است.-

### راه‌های مقابله با نفوذ دشمن

با جست‌وجو در آیات گوناگون قرآن می‌توان به روشنی دریافت  
 همان‌گونه که خداوند از خطر نفوذ دشمنان خبر می‌دهد، راه‌های مقابله با  
 این خطر را نیز متذکر می‌شود. با توجه به مجموعه آیات الهی، می‌توان  
 به دو راه کلی برای مقابله با دشمنان دین دست یافت. راه اول لزوم  
 دشمن‌شناسی و پرهیز از مراد و دوستی با دشمن است و راه دوم؛ حفظ  
 استقلال و خودکفایی. در یک نگاه می‌توان این دو راه را به «پرهیز از نگاه  
 به بیرون» و «لزوم نگاه به درون» تقسیم کرد:

### ۱- پرهیز از نگاه به بیرون

در بحث پرهیز از نگاه به بیرون، قرآن به چند مؤلفه اشاره می‌کند که به  
 اختصار می‌توان آن‌ها را این‌گونه برشمرد:

#### ۱-۱ دوستی نکردن با دشمنان:

در این باره به آیات فراوانی برمی‌خوریم که خداوند از پرهیز از دوستی با  
 دشمنان سخن می‌گوید. برای نمونه باید به آیه ۸۹ سوره نساء اشاره کنیم  
 که پیش‌تر به آن اشاره شده است. در آیه ۱۴۴ همین سوره نیز خداوند  
 متعال تاکید می‌کند که «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن  
 دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَن تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا»- ای کسانی که  
 ایمان آورده‌اید! غیر از مؤمنان، کافران را ولی و تکیه‌گاه خود قرار ندهید! آیا  
 می‌خواهید (با این عمل) دلیل آشکاری بر ضد خود در پیشگاه خدا قرار  
 دهید؟!- در آیه ۸۲ سوره مائده نیز قرآن بر لزوم پرهیز از رفاقت و مودت  
 نسبت به دشمنان قسم‌خورده خود تاکید می‌فرماید.

در آیات ابتدایی سوره ممتحنه هم با تاکید بر این نکته که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ  
 آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ»- ای کسانی که ایمان آورده‌اید!  
 دشمن من و دشمن خویش را دوست  
 خود قرار ندهید- به علت این مساله  
 اشاره می‌کند. از منظر این آیات، سه  
 علت اساسی برای پرهیز از دوستی با  
 این افراد وجود دارد. علت اول، کفر آنان  
 به کتاب خداست: «تَلْفَحُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمُؤَدَّةِ  
 وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ»- شما  
 نسبت به آن‌ها اظهار محبت می‌کنید،  
 در حالی که به آن‌چه از حق برای شما  
 آمده کافر شده‌اند- علت دوم دشمنی  
 با رسول الله و پیروان ایشان است تا  
 جایی که آنان را از وطن خود آواره  
 کردند: «يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَن  
 تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ»- و رسول خدا و  
 شما را به خاطر ایمان به خداوندی  
 که پروردگار همه شما است از شهر و  
 دیارتان بیرون می‌رانند - و علت سوم

این مساله است که آنان با طرح این دوستی درصدد نفوذ هستند تا  
 بر مؤمنین سلطه یابند: «إِن يَتَّفِقُوا كَمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَسْطُوا إِلَيْكُمْ  
 أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ»- اگر آن‌ها بر شما مسلط شوند  
 دشمنان خواهند بود، و دست و زبان خود را به بدی بر شما می‌کشایند و  
 دوست دارند شما به کفر بازگردید.-

#### ۱-۲ بی‌اعتمادی به دشمن

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که در بحث نگاه از بیرون باید به آن اشاره شود،  
 بحث اعتماد نکردن به دشمن است. در آیات گوناگون قرآن بر این نکته  
 تاکید فراوان شده است. برای نمونه باید به آیات ۱۱۸ تا ۱۲۰ سوره آل  
 عمران اشاره کرد که خداوند متعال این مساله را مورد تاکید قرار داده و  
 اعتماد به دشمنان را نکوهش کرده است:  
 «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةَ مِن دُونِكُمْ لَا يَأُولُوكُمْ خَبَالًا وَوَدُّوا مَا  
 عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِن أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ  
 الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ»- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! محرم اسراری از  
 غیر خود، انتخاب نکنید! آن‌ها از هر گونه شر و فساد در باره شما، کوتاهی

### آنان با طرح این دوستی درصدد

### نفوذ هستند تا بر مؤمنین سلطه

### یابند: «إِن يَتَّفِقُوا كَمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً

### وَيَسْطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُمْ

### بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ»- اگر آن‌ها

### بر شما مسلط شوند دشمنان خواهند

### بود، و دست و زبان خود را به بدی بر

### شما می‌کشایند و دوست دارند شما

### به کفر بازگردید.



نمی‌کنند. آن‌ها دوست دارند شما در رنج و زحمت باشید. (نشانه‌های) دشمنی از دهان (و کلام)‌شان آشکار شده؛ و آن‌چه در دل‌هایشان پنهان می‌دارند، از آن مهم‌تر است. ما آیات (و راه‌های پیشگیری از شر آن‌ها) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه کنید- «هَاتَتْكُمْ أَوْلَاءٌ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَاطَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُؤْتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»- شما کسانی هستید که آن‌ها را دوست می‌دارید؛ اما آن‌ها شما را دوست ندارند! در حالی که شما به همه کتاب‌های آسمانی ایمان دارید (و آن‌ها به کتاب آسمانی شما ایمان ندارند). هنگامی که شما را ملاقات می‌کنند، (به دروغ) می‌گویند: «ایمان آورده‌ایم!» اما هنگامی که تنها می‌شوند، از شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را به دندان می‌گزند! بگو: «با همین خشمی که دارید بمیرید! خدا از (اسرار) درون سینه‌ها آگاه است.» «إِنَّ تَمَسُّسَكُمْ حَسَنَةً تَسْؤُهُمْ وَإِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِبرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ»- اگر نیکی به شما برسد، آن‌ها را ناراحت می‌کند؛ و اگر حادثه ناگواری برای شما رخ دهد، خوشحال می‌شوند. (اما اگر (در برابرشان) استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید، نقشه‌های (خائنه) آنان، به شما زبانی نمی‌رساند؛ خداوند به آن‌چه انجام می‌دهند، احاطه دارد.

### ۱-۳. سازش ناپذیری

یکی دیگر از مسائلی که مورد نهی شدید قرآن قرار گرفته، سازش با دشمنان است. آیه ۱۱۳ سوره هود به صورت کاملاً مشخص به این موضوع پرداخته است. خداوند در این آیه می‌فرماید: «وَلَا تَزْكُرُوا إِلَى الدِّينِ ظُلْمًا فَتَمَسِّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ»- و تکیه بر ظالمان نکنید که موجب می‌شود آتش شما را فروگیرد و در آن حال جز خدا هیچ ولی و سرپرستی نخواهد داشت و یاری نمی‌شوید. - در آیه ۱۴۶ سوره آل عمران نیز بر این مساله تاکید شده و آمده است: «وَكَايُنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلْ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»- چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگ کردند! آن‌ها هیچ‌گاه در برابر آن‌چه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست و ناتوان نشدند (و تن به تسلیم ندادند)؛ و خداوند استقامت‌کنندگان را دوست دارد-

### ۱-۴. احتیاط در برابر دشمن

همچنین باید به ضرورت احتیاط در برابر دشمنان اشاره کرد که در قرآن به آن اشاره شده است. خداوند در آیه ۱۲۰ سوره بقره می‌فرماید: «وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنْ هَدَى اللَّهُ هُوَ الْهَادِيَ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ»- هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، (تا به طور کامل، تسلیم خواسته‌های آن‌ها شوی، و) از آیین (تحریف‌یافته) آنان، پیروی کنی. بگو: «هدایت، تنها هدایت الهی است!» و اگر از هوی و هوس‌های آنان پیروی کنی، بعد از آن‌که آگاه شده‌ای، هیچ سرپرست و یابوری از سوی خدا برای تو نخواهد بود-

در آیه ۶۹ سوره آل عمران نیز آمده است: «وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ» (آل عمران، ۶۹- جمع) از اهل کتاب (از یهود)، دوست داشتند (و آرزو می‌کردند) شما را گمراه کنند؛ (اما آن‌ها باید بدانند که نمی‌توانند شما را گمراه سازند) آن‌ها گمراه نمی‌کنند مگر خودشان را، و نمی‌فهمند -

### ۲. لزوم نگاه به درون

در بحث لزوم نگاه به درون از نگاه قرآن، مشخصاً می‌توان به بحث استقلال و خودکفایی در آیات الهی اشاره کرد. در این مورد می‌توان بحث استقلال را به دو قسم استقلال سیاسی و اقتصادی تقسیم کرد. اما قبل از آن باید به این نکته به عنوان مقدمه اشاره کرد که خداوند، استقلال و نگاه به درون را از این رو لازم می‌شمارد که هرگونه عملی که عزت نفس انسان را تباہ سازد، مورد نهی قرار می‌دهد. بر همین اساس در آیه ۸ سوره منافقون می‌فرماید: «اللَّهُ الْعَزَّةَ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ»- عزت تنها برای خدا و رسولش و مؤمنان است. - بارزترین شاهد مثال قرآنی در این باره را بایستی جریان تغییر قبله مسلمانان دانست؛ چراکه یهودیان نمازخواندن مسلمانان به سوی بیت‌المقدس را نشانه برتری خود تلقی می‌کردند، به همین دلیل خداوند فرمان داد که هر کجا هستید روی خود را به سوی مسجدالحرام بگردانید تا هیچ کس بر شما متنی نداشته باشد: «وَمَنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ» (بقره، ۱۵۰)- و از هر جا خارج شدی، روی خود را به جانب مسجدالحرام کن! و هر جا بودید، روی خود را به سوی آن کنید! تا مردم، جز ظالمان (که دست از لجاجت برمی‌دارند) دلیلی بر ضد شما نداشته باشند؛ (زیرا از نشانه‌های پیامبر، که در کتب آسمانی پیشین آمده، این است که او، به سوی دو قبله، نماز می‌خواند.) از آن‌ها نترسید! و (تنها) از من بترسید! (این تغییر قبله، به خاطر آن بود که) نعمت خود را بر شما تمام کنم، شاید هدایت شوید- خداوند دوستی با دشمنان را هم موجب خدشه‌دار شدن عزت انسان دانسته، بر همین اساس نیز بر استقلال مؤمنان تاکید می‌ورزد: «الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلَيْسَتْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء، ۱۳۹)- همان‌ها که کافران را به جای مؤمنان، دوست خود انتخاب می‌کنند. آیا عزت و آبرو نزد آنان می‌جویند؟ با این‌که همه عزت‌ها از آن خداست؟! -

### ۲-۱. استقلال سیاسی

عینی‌ترین مصداق استقلال سیاسی از دیدگاه قرآن را می‌توان آیه معروف به نفی سبیل دانست. بر اساس آیه ۱۴۱ سوره مبارکه نساء خداوند تاکید می‌فرماید که «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»- هرگز خداوند برای کافران راه تسلط بر اهل ایمان را باز نگذاشته است- حرف نفی «لن» به معنای نفی ابد است؛ یعنی کافران هیچ‌گاه در هیچ زمینه‌ای نمی‌توانند بر مسلمانان مسلط شوند. این آیه را می‌توان عینی‌ترین تبلور معنای استقلال سیاسی از دیدگاه قرآن دانست. برای دستیابی به مفهوم نفی تسلط دشمنان و کسب استقلال سیاسی، قرآن به چند مؤلفه اشاره می‌کند که در این میان تنها به دو مؤلفه اشاره می‌کنیم:

#### ■ اطاعت‌نکردن از دشمنان

خداوند متعال در سوره آل عمران آیه ۱۴۹ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَزِدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ»- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از کسانی که کافر شده‌اند اطاعت کنید، شما را به گذشته‌هایتان بازمی‌گردانند؛ و سرانجام، زیانکار خواهید شد. - و در ادامه بر این نکته تاکید می‌ورزد که: «بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ»- آن‌ها تکیه‌گاه شما نیستند بلکه ولی و سرپرست شما، خداست و او بهترین یاوران است. - در آیه ۴۹ سوره مائده نیز آمده است: «وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَآخَذْتَهُمْ»- از هوس‌های آنان پیروی مکن و برحذر باش - چرا که پیروی از جریان باطل موجب گمراهی انسان خواهد شد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَزِدُّوكُمْ بِعَدَايَتِكُمْ



دلالت کنم که از عذاب دردناک شما را رهایی می بخشد؟! به خدا و رسول او ایمان بیاورید، و در راه خداوند با اموال و جانهایتان جهاد کنید، این برای شما از هر چیز بهتر است اگر بدانید-

به سبب همین جایگاه ویژه اقتصاد در جامعه است که خداوند بر اهمیت آن و لزوم استقلال اقتصادی جامعه دینی و وابسته نبودن این جامعه به دیگران تاکید می ورزد. مهم ترین آیه ای که آشکارا به این مساله می پردازد، آیه ۲۸ سوره توبه است. خداوند در این آیه می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»- ای کسانی که ایمان آورده اید! مشرکان ناپاکند لذا نباید پس از امسال نزدیک مسجد الحرام شوند و اگر از فقر می ترسید خداوند شما را از فقلش، هرگاه بخواهد، بی نیاز می سازد؛ خداوند دانا و حکیم است.- این اصل که امروزه با عنوان «اقتصاد مقاومتی» مطرح می شود، عینی ترین مساله در نگاه به درون و پرهیز از نگاه به بیرون است. برای رسیدن به این هدف مهم، خداوند به اصولی اشاره می کند که با تتبع در آیات الهی می توان آن ها را یافت. این اصول عبارتند از:

#### ■ کار و تلاش فراوان

یکی از اصلی ترین و مهم ترین اصول استقلال اقتصادی و اقتصاد مقاومتی، کار و تلاش فراوان است. آیه شریفه «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم، ۳۹)- و این که برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست- بر همین مساله دلالت دارد. در آیه دیگری نیز خداوند می فرماید: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ أَمْ يَتَّبِعُونَ أَفْعَالَ الَّذِينَ الْأُولَىٰ أَمْ لَا أَلَمْ يَلْمِزْهُمْ أَمْ لَا لَوْلَا فَتَنَّا آلِهَةَ نَبِيِّنَا لَكُلِّ شَيْءٍ فَضْلَةٌ تَفْصِيلاً» (اسراء، ۱۲)- ما شب و روز را دو نشانه توحید و عظمت خود قرار دادیم، سپس نشانه شب را محو کرده و نشان روز را روشنی بخش ساختیم، تا فضل پروردگار را (در پرتو آن) بطلیبید (و به تلاش زندگی برخیزید) و عدد سال ها و حساب را بدانید و هر چیزی را به طور مشخص (و آشکارا) بیان کردیم.-

در بسیاری از آیات دیگر مانند نحل، آیه ۱۴، جاثیه، آیه ۱۲ و ملک آیه ۱۵ نیز خداوند بر این اصل تاکید می کند که همه چیز را در اختیار انسان قرار داده است تا بتواند با کار و فعالیت اقتصادی، به درستی از آن منابع استفاده کند.

#### ■ استفاده بهینه از ثروت

یکی دیگر از مسائلی که موجب تحقق استقلال اقتصادی و اقتصاد مقاومتی می شود، بهره روری درست از سرمایه است. به همین دلیل است که خداوند در آیات گوناگون به شدت از اسراف و تبذیر نهی می کند. برای نمونه در آیه ۱۴۱ سوره انعام، خداوند بر استفاده صحیح از ثروت تاکید کرده، می فرماید: «وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ مَّعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالرَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْبِهًا وَغَيْرَ مُشْبِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَءَاتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»- او

كَفَرِينَ» (آل عمران، ۱۰۰)- ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر از گروهی از اهل کتاب (که کارشان نفاق افکنی و شعله ور ساختن آتش کینه و عداوت است) اطاعت کنید، شما را پس از ایمان به کفر بازمی گردانند.- قرآن درباره لزوم اطاعت ناپذیری از دشمن، از قاعده مشخصی تبعیت می کند. این قاعده عبارت است از نفی ربوبیت غیر خدا. خداوند در این باره تصریح می کند که: «قُلْ يَا هَلَالِ الْكُتُبِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ...» (آل عمران، ۶۴)- بگو: ای اهل کتاب! بیابید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم، و بعضی از ما، بعض دیگر را - غیر از خدای یگانه - به خدایی نپذیرد.-

#### ■ کمک نگرتن از دشمنان

در آیه ۲۹ سوره فتح نیز بر اصل خودکفایی و بی نیازی از دیگران اشاره شده است. در این آیه خداوند اصحاب خاص پیامبر (ص) در انجیل را به زراعتی تشبیه کرده که جوانه های آن به تدریج نیرومند شده و بر پای خود ایستاده است، به گونه ای که کشاورزان را به شگفتی وامی دارد: «وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنجِيلِ كَرُزْعٍ أُخْرِجَ شَطَأُهُ فَازْرَهُ فَاسْتَغْلَطَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوْقِهِ يُعْجَبُ الزَّرَّاعُ لِيُعْجِظَ بِهِمُ الْكُفَّارُ»- و توصیف آن ها در انجیل همانند زراعتی است که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته، تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است، و به قدری رشد و نمو کرده که زارعان را به شگفتی وامی دارد! این برای آن است که کافران را به خشم آورد،-

#### ۲-۲. استقلال اقتصادی

یکی دیگر از مسائل مورد تاکید ویژه قرآن، بحث استقلال اقتصادی است. از دیدگاه قرآن، اقتصاد عامل دوام و قوام جامعه است. خداوند در آیه پنجم سوره نساء می فرماید: «وَلَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا»- اموال خود را، که خداوند وسیله قوام زندگی شما قرار داده، به دست سفیهان نسپارید- جالب این که در این آیه خداوند اموال یعنی امر اقتصادی را به عنوان عامل قیام جامعه ذکر می کند.

خداوند در آیات گوناگون قرآن بر نقش محوری اقتصاد و معاملات اقتصادی در فلاح جامعه تاکید می کند. برای نمونه در آیات ۱۱۰ و ۱۱۱ سوره صاف بر نقش بهره مندی های اقتصادی در امور معنوی تاکید می کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجْرَةٍ تُنجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ آلِيمٍ. تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»- ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را به تجارتي



